

تأثیر اسکان عشایر بر میزان مشارکت زنان در تأمین درآمد خانوار (مطالعه موردی: زنان عشایر سیستان)

فرامرز بریمانی* - استاد جغرافیای روستایی دانشگاه مازندران
غریب فاضل‌نیا - دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه زابل
زهرا صیادی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی

تأیید نهایی: ۱۳۹۵/۰۳/۰۸

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۲/۲۷

چکیده

زنان عشایر همواره در فعالیتهای روزمره نقش شایان‌توجهی داشته‌اند، اما با اجرای سیاست اسکان و دگرگونی زندگی عشایر کوچنده، و به‌دنبال آن نقش و کارکرد زنان عشایر نیز تغییر و تحول کرده است. آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، فروپاشی از یک‌سو و اسکان خودجوش و هدایت‌شده از سوی دیگر است. در این روند، به‌طور کلی نه‌تنها وضعیت کوچندگان، بلکه نقش زنان عشایری به‌طور خاص، به‌دلیل ماهیت زندگی‌شان وخیم‌تر شده است و نقش زنان در تأمین معاش خانواده نیز به‌شدت کاهش می‌یابد. این تحقیق از نوع توسعه‌ای-کاربردی است. جامعه آماری، شامل پنج سامانه اسکان‌یافته شهرستان زابل واقع در سیستان با ۲۵۰ خانوار است. با استفاده از فرمول کوکران^۱ از طریق نمونه‌گیری تصادفی، همسران ۱۴۱ سرپرست خانوار انتخاب شد، که به‌دلیل دوری سامانه‌ها از هم و مشکلات ناشی از دسترسی به آن‌ها از ۱۲۴ زن پرسش شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها دو پرسشنامه طراحی شد. پرسشنامه اول توسط زنان عشایر و پرسشنامه دوم توسط خبرگان محلی پر شده است. با توجه به بررسی تطبیقی از دو مقطع قبل و بعد اسکان، وضعیت عمومی عشایر اسکان‌یافته نامناسب است و نقش زنان عشایر در تولید فرآورده‌های لبنی و صنایع‌دستی پس از اسکان تضعیف و درآمد خانوار نیز کاهش یافته است. به‌عبارتی بین تضعیف نقش تولیدی زنان و درآمد خانوار، رابطه معنی‌داری وجود دارد. براساس یافته‌ها می‌توان گفت که سیاست اسکان عشایر در سامانه‌های مورد مطالعه موفقیت‌آمیز نبوده است.

واژه‌های کلیدی: اسکان، درآمد خانوار، زنان، سیستان، عشایر، مشارکت.

مقدمه^۱

جمعیت به سه گروه شهرنشین، روستانشین و متحرک (اعم از عشایر و...) تقسیم می‌شود (پاپلی یزدی، ۱۳۷۱: ۱۴). بخشی از این جمعیت را عشایر تشکیل می‌دهند که دارای ویژگی اصلی هستند: ۱. شیوه معیشت مبتنی بر دامداری، ۲. کوچ برای دستیابی به علوفه رایگان از مراتع طبیعی، ۳. سلسله مراتب ساختار قدرت طایفه‌ای-ایلی (بریمانی، ۱۳۸۹: ۱).

در مورد علت شکل‌گیری این شیوه از زندگی، به‌طور عمده بر سازش با شرایط اکولوژیکی تأکید دارند. ابن‌خلدون (۱۳۶۰) آن را یک نوع سازش طبیعی با محیط می‌داند. چالز^۲ (۲۰۰۴)، چنین سازگاری را نوعی پاسخ به شرایط زیست‌محیطی، طبیعی، اجتماعی و سیاسی از سوی ساکنان کمربند خشک کره زمین می‌داند. دورفمن^۳ و دیگران (۲۰۰۱)، معتقدند بین کوچ جامعه عشایر با کوچ پرندگان دریایی رابطه معناداری وجود دارد. پری^۴ (۲۰۰۷)، نیز چنین رابطه‌ای را بین تغییرپذیری اکوسیستم دریایی و واکنش‌های اجتماع‌های انسانی در کشور غنا (غرب آفریقا) تأیید کرده است. پامو^۵ (۲۰۰۲) نیز نشان داده است که عشایر شمال کامرون خود را با نوسانات محیط ساحلی سازش داده‌اند. توانا (۱۳۷۲) و بریمانی (۱۳۸۰) نیز نشان داده‌اند با وجود قدمت زندگی عشایری به‌عنوان یکی از اشکال زندگی اجتماعی و استمرار این الگوی زیستی تا به امروز، باید به این نکته توجه داشت که اسکان و یکجانشینی به‌عنوان همزاد و نقطه پایان زندگی کوچندگی همواره مطرح است. از اوایل تاریخ تاکنون، ایلات و طوایف کوچنده عشایری به علل مختلف و به صورت‌های اجباری، مصلحتی یا اختیاری دست از کوچ کشیده و به یکجانشینی روی آورده‌اند (اکبری و میزبان، ۱۳۸۱: ۴۰)، اما با وقوع انقلاب صنعتی (۱۷۵۰ میلادی) و پیشرفت و گسترش فناوری، جمعیت عشایری تأثیر بیشتری گرفت (لطفعلی‌پور و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۳۴-۱۳۵). اپتون^۶ (۲۰۱۰)، از بین رفتن زندگی کوچندگی در مغولستان را تا حدودی مواجهه این نوع از شیوه معیشت با سیاست مدرنیزاسیون (نوسازی) می‌داند. از دیدگاه امان‌اللهی (۱۳۶۰)، روی کار آمدن رضاشاه و برنامه اسکان اجباری (تخته قاپو) در چارچوب سیاست نوسازی در دگرگونی جمعیت عشایری ایران مؤثر بوده است. پس از انقلاب اسلامی طرح توسعه جامع مناطق عشایری در ایران نیز با اهداف بهبود نسبی رفاه عمومی مطرح شد (مولایی، ۱۳۸۰)، اما این اقدامات توفیق چندانی نداشت؛ زیرا روند رو به گسترش نظام سرمایه‌داری جهانی و شبه سرمایه‌داری داخلی همچنان بیش از گذشته، جامعه عشایری را در مسیر فروپاشی حرکت می‌داد، به‌گونه‌ای که ماهیت زندگی کوچ‌نشینی در قالب سازش فرهنگی انسان با محیط تجلی پیدا می‌کرد (امان‌اللهی، ۱۳۶۰: ۳۴) دچار دگرپرسی شد. این بازخورد در مورد عشایر مورد مطالعه (سیستان) بیش‌تر صدق می‌کند، زیرا علاوه بر موارد کلی تأثیرگذار، وقوع خشکسالی‌های اخیر (نیمه دوم سال ۱۳۷۷ و استمرار آن تا سال ۱۳۸۶) بر علت افزوده شده و مراتع آنان را در بیلاق (خراسان جنوبی) و قشلاق (دشت سیستان) از بین برده است (غفاری، ۱۳۷۰: ۸۶)؛ بنابراین، عشایر سیستانی طی این سال‌ها در تنگناهای محیطی و تهدیدهای انسانی و در معرض فروپاشی بیشتری قرار گرفته‌اند (بریمانی، ۱۳۸۲). برای برون‌رفت از این وضعیت در سیستان، راه‌حل‌های مختلفی ارائه شد. به‌عنوان نمونه، برای بهبود عشایر کوچنده زیرکاری از طوایف سیستانی، شیوه رمه‌گردانی به همراه با نگهداری گاو سیستانی (بریمانی، ۱۳۸۴)، و برای طوایف نارویی، استفاده از مراتع غرب دشت سیستان پیشنهاد شد (بریمانی، ۱۳۸۶)، اما آنچه در عمل اتفاق افتاده، فروپاشی از یک‌سو و اسکان خودجوش و هدایت‌شده از سوی دیگر است. در این روند، نه تنها وضعیت کوچندگان به‌طور کلی، بلکه نقش زنان عشایری به‌طور خاص، به دلیل ماهیت زندگی‌شان وخیم‌تر شده است و نقش زنان در تأمین معاش خانواده نیز کاهش یافته است.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است که در دانشگاه سیستان و بلوچستان به راهنمایی فرامرز بریمانی تهیه شده است.

2. Scholz
3. Dorfman
4. Perry
5. Pamo
6. Upton

برای آزمون این ادعا، عشایر اسکان‌یافته سیستانی انتخاب شد و با طرح فرضیه‌های زیر، نقش زنان عشایر سیستانی در تأمین درآمد خانوار به صورت تطبیقی در دو مقطع قبل و بعد از اسکان بررسی شد.

۱. نقش تولیدی زنان عشایر سیستانی اسکان‌یافته نسبت به قبل از اسکان تضعیف شده است؛

۲. بین تضعیف نقش تولیدی زنان عشایر سیستانی و درآمد خانوار، رابطه معناداری وجود دارد.

مبانی نظری پژوهش

اسکان عشایر فرایندی است که طی آن، شیوه معیشت جامعه کوچ‌رو تغییر و تحول می‌یابد، این تحول هرچند به صورت ظاهری با ترک کوچ‌روی و یکجانشینی در مسکن ثابت شناخته می‌شود، ناظر بر تغییرات اساسی در مبانی فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی و زیستی زندگی عشایر است (ریاحی و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۵-۱۱۲). برای سامان دادن زندگی جامعه عشایری شیوه‌های مختلفی به کار گرفته شد، که غالب آن‌ها در قالب مفهوم اسکان عشایر قابل تبیین است.

الف) تخته قاپو (اسکان اجباری)

اسکان اجباری از گذشته دور اعمال می‌شد، اما بیشتر با عنوان «تخته قاپو» از سیاست رضاخان شناخته می‌شود که با اقبال عمومی (جامعه عشایری) به‌ویژه نخبگان روبه‌رو نشد. کیوند «تخته قاپو» را در جهت به‌وجود آوردن قدرت متمرکز عنوان می‌کند و اجرای بد آن را ناشی از بی‌بهره‌بودن رضاشاه، همدستان و مشاورانش از دانش‌های سیاسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی می‌داند (کیاوند، ۱۳۸۶: ۱۱۴). امان‌اللهی و بهاروند (۱۳۶۰)، موسایی (۱۳۶۷)، شهبازی (۱۳۶۹) و صیدائی (۱۳۶۹)، این سیاست را نوعی رویارویی عشایر با نظام نوین می‌دانند. هرچند لمتون (۱۳۶۲) اعمال این سیاست را درست دانسته، اما ناکامی آن را در اجرا می‌داند یا برخی نیز بر این باورند که این اقدام رضاشاه با موفقیت‌هایی همراه بود که مروهون تفرقه‌اندازی بین طوایف و ایلات هر منطقه، به دام‌انداختن سران و معتمدین آنان از راه نیرنگ و سوگند دروغ و بالاخره استفاده از سلاح‌ها و فنون جدید نظامی و مهم‌تر از همه پشتیبانی انگلیسی‌ها بود (شاهین‌فر، ۱۳۶۹: ۲۲). جانزن^۱ (۲۰۰۲)، نیز در مطالعه موردی از عشایر ظفار (عمان) اقدامات دولت در ارائه خدمات را مطلوب ارزیابی کرده است.

به نظر می‌رسد حل مسئله ایلات و عشایر در آن زمان مستلزم دو نحوه برخورد با آنان بود:

۱. تلاشی وسیع و تدریجی برای فرمانبرداری آن‌ها و ادغام نظام معیشتی ایلی در چارچوب روابط تولیدی جدید

انجام شده است. شهبازی، رویارویی نظام معیشتی و صنعتی را ریشه تخته قاپو می‌داند (شهبازی، ۱۳۶۹: ۲۳۷)؛

۲. از بین بردن عشایر و محوکردن کل پدیده کوچ‌نشینی از صفحه روزگار که حکومت پهلوی در مسیر دوم افتاد

(بیات، ۱۳۶۶: ۸)؛

۳. اسکان عشایر خودجوش و هدایت‌شده.

طرفداران این نظریه اعتقاد دارند که جامعه عشایری بخشی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند که مهم‌ترین مشخصه آن با جوامع روستایی، کوچندگی آن‌هاست و زندگی آنان براساس دامداری شکل گرفته است (ارزانی، ۱۳۷۸: ۱۱۵). از طرفی با توجه به تحولات فکری که در جامعه عشایری و با استفاده از رسانه‌های جمعی انجام گرفته است، این جامعه دریافتند که در جهان امروز، بهره‌وری از محیط طبیعی به شیوه سنتی نه تنها کارایی ندارد، بلکه استفاده از ماشین‌آلات مکانیزه نیز در مقابل تکنولوژی پیشرفته و خودکار^۲ کارایی چندانی ندارد. درنهایت، بعضی از عشایر چاره کار

1. Janzen

2. Automatic

را در اسکان دیدند تا به رفاه و امکانات بیشتری دست یابند؛ زیرا در صورت اسکان از حمایت‌های دولتی بیشتری نیز برخوردارند (بخشنده نصرت، ۱۳۶۹: ۱۱) و علاوه بر آن اسکان می‌تواند با دو روش زیر همراه باشد:

الف) اسکان با مشاغل کشاورزی،

ب) اسکان با شغل‌های دامداری و دامپروری (حیاتی، ۱۳۷۰: ۱۷۵).

اهلرز معتقد است بهترین راه، زندگی عشایر با کشاورزی و پیشه‌وری پیوند داده شود (عبداللهی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۱۵)، اما کیاوند (۱۳۶۸) معتقد است، چون عشایر سنت و سابقه دیرینه‌ای در دامداری دارند و از طرفی تقریباً تمام روستاهای ما روستاهای کشاورزی هستند، اگر قرار است دهواره‌های جدیدی با جماعت‌های عشایری کوچنده پدید آید، باید فعالیت اصلی آن‌ها بر محور پرورش دام و دامپروری نوین امروزی صورت گیرد.

بخشنده نصرت (۱۳۶۹) نیز دامپروری را توصیه می‌کند و علت اصلی پیشنهاد دامپروری صنعتی را این‌طور بیان می‌دارد که این جماعت، پایه زندگی خود را با دام آغاز کرده‌اند و در این راه از هر گروه دیگری تجربه و آگاهی بیشتری دارند؛ بنابراین، اگر در همین رابطه بتوان زمینه‌ای مهیا کرد، امید موفقیت بیشتر است.

ج) رمه‌گردانی

طرفداران این نظریه معتقدند که ادامه زندگی کوچ‌نشینی به شیوه کنونی، سبب به هم خوردن تعادل اکولوژیکی شده است. از طرفی از نظر اقتصادی نیز، این نوع از زندگی بهره‌وری کمتری نسبت به زندگی یکجانشینی دارد؛ بنابراین، لزوم تغییر زندگی کوچ‌نشینی به شیوه‌های دیگر، احساس می‌شود. در وهله اول، برای گذر از مرحله کوچ‌نشینی به یکجانشینی، مرحله «رمه‌گردانی» در پیش‌رو قرار می‌گیرد (احمدی، ۱۳۶۹: ۳۷۷).

در جامعه ما نوعی از طرز تفکر وجود دارد که هرگاه سخن از تغییر الگوی زیستی عشایر به میان می‌آید، بلافاصله مسئله دام و تولید دامی عشایر مدنظر قرار می‌گیرد. صاحبان این نوع طرز تفکر تغییر الگوی زیستی عشایر از کوچ‌نشینی به رمه‌گردانی را موازی با کاهش تولیدات دامی کشور می‌دانند. تعدادی از کشورهای سرمایه‌داری در کنار گسترش بخش صنعت، دارای دامداری پیشرفته‌ای هستند که تولیدات دامی آن‌ها نه تنها کفاف مصرف داخلی آن‌ها را می‌دهد بلکه بازارهای مصرف جهانی را نیز تغذیه می‌کنند؛ درحالی‌که در کشور ما حتی در مناطق عشایری کشور تولیدات دامی کشورهای خارجی مصرف می‌شوند. در کشورهای دارای سیستم اقتصادی متمرکز (شوروی سابق، چین، مغولستان) و کشورهای اروپایی با نظام سرمایه‌داری (نیوزیلند، استرالیا)، سیستم بهره‌برداری از مراتع به طریق رمه‌گردانی وجود دارد که از مراتع طبیعی برای چرای دام استفاده می‌شود و نمونه‌های موفق در این زمینه به‌شمار می‌آیند. بدین ترتیب، با اجرای شیوه رمه‌گردانی به‌جای کوچ‌نشینی شاید بتوان همراه با آهنگ تغییرات اجتماعی، آثار فراوانی از نظر اقتصادی در این جامعه به‌وجود آورد که افزایش کیفی در تولیدات دامی نیز فراهم می‌شود (مبینی و دیگران، ۱۳۸۴: ۴۳۱). به‌طور کلی می‌توان گفت شیوه رمه‌گردانی را می‌توان به‌عنوان حلقه واسطه بین وضع موجود و وضع مطلوب و استقرار در درازمدت اعمال کرد (جمشیدیان، ۱۳۶۹: ۳۶۱).

برای اسکان عشایر در هر شکل و صورتمندی به‌ویژه در راستای توسعه پایدار، باید ملاحظات گوناگونی با تأکید بر نقش زنان، فرهنگ‌ها، آموزش، امنیت اجتماعی و غذایی، مشارکت، و مهم‌تر از همه انسان با تأکید بر رفتارهای محلی مورد توجه قرار گیرد. در صورت توجه‌نکردن به این عوامل مشکلات گوناگون زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی گوناگونی به‌وجود می‌آید (شاطری و صادقی، ۱۳۹۱: ۱۰۵)؛ زیرا زنان نیمی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند و مشارکت عمومی آن‌ها در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی عامل مهمی در توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به‌شمار می‌رود (محمودیان، ۱۳۸۲: ۱۹۰). در این مورد باید در نظر داشت، زنان روستایی و عشایری به‌دلیل ماهیت زندگی‌شان همیشه در فعالیت‌های روزمره نقش بسزایی ایفا می‌کنند. در شرایط سنتی (کوچندگی) زنان عشایر علاوه بر عهده‌دار بودن کارهایی مانند پخت نان، آوردن هیزم و آب، آشپزی، بچه‌داری، دوشیدن دام و ربسیدن پشم، در تولید صنایع‌دستی نیز فعالیت دارند (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۲). برخی از

مطالعات نشان می‌دهد که اقتصاد تولیدی عشایری به میزان ۸۵ درصد، وامدار زحمات طاقت‌فرسای زنان عشایری است. بین میزان ساعات فعالیت زنان و درآمد خانوار عشایری رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۲۸)، همچنین نقش عمده‌ای نیز در تولید فرآورده‌های دامی ایفا می‌کنند و موجب استحکام خانواده می‌شوند. این مجموعه از فعالیت زنان در مقایسه با مردان به مراتب سخت‌تر و نامطلوب‌تر است؛ زیرا ضمن محرومیت از امکانات رفاهی و بهداشتی، زحمات طاقت‌فرسایی را در زندگی عشایری تحمل می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توسعه‌ای-کاربردی است. جامعه آماری از پنج سامانه اسکان‌یافته شهرستان زابل شامل میل نادر، رنده زه روزه‌ی، گل‌خانی، اسلام‌آباد و اسپه در دهستان‌های ادیمی، قائم‌آباد و لوتک واقع در سیستان با ۲۵۰ خانوار است. با استفاده از فرمول کوکران^۱ از طریق نمونه‌گیری تصادفی همسران ۱۴۱ سرپرست خانوار انتخاب شد که به‌علت دوری سامانه‌ها از هم و مشکلات ناشی از دسترسی به آن‌ها از ۱۲۵ زن پرسش شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای است که توسط خود محقق گردآوری شده است. بدین‌منظور، دو پرسشنامه طراحی شد که اولی برای زنان عشایر با ۵۱ سؤال و پرسشنامه دوم مربوط به خبرگان با ۵۶ سؤال از جامعه عشایری مورد مطالعه است. از این‌رو، برای سنجش دقت این ابزار، روایی پرسشنامه توسط اساتید گروه جغرافیای دانشگاه سیستان و بلوچستان و زابل ۷ نفر و مرتبط با موضوع کنترل شد. با استفاده از شاخص کرونباخ، پایایی ۰/۸۱ به‌دست آمد که اعتبار آن تأیید شد. با توجه به نوع دام، سبک و سنگین بهره‌بردار برای یکسان‌سازی و تبدیل به واحد دامی، از ضرایب ۰/۸ بز و بزغاله، ۵ گاو و گوساله و ۸ شتر و بچه‌شتر استفاده شد. درمورد فرآورده‌های دامی نیز یک دوره صد روزه شیردهی مبنای محاسبه قرار گرفت. برای مقایسه کارکرد زنان در قبل و بعد از اسکان، قیمت دام، فرآورده‌های دامی، صنایع‌دستی به‌طور یکسان به قیمت جاری (۱۳۸۹) محاسبه شده‌اند. پس از تحلیل داده‌ها، برای آزمون نیز از همبستگی پیرسون استفاده شده است.

منطقه مورد مطالعه

سیستان در قسمت شرقی کشور و شمال شرق استان سیستان و بلوچستان قرار گرفته است. این ناحیه دارای طول جغرافیایی ۶۱ درجه و ۲ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۵۲ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۰ درجه و ۱۸ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۵ دقیقه شمالی است. مساحت سیستان ایران معادل ۸،۱۱۷ کیلومتر مربع است (مهندسین مشاور فرپاک، ۱۳۶۳: ۸).

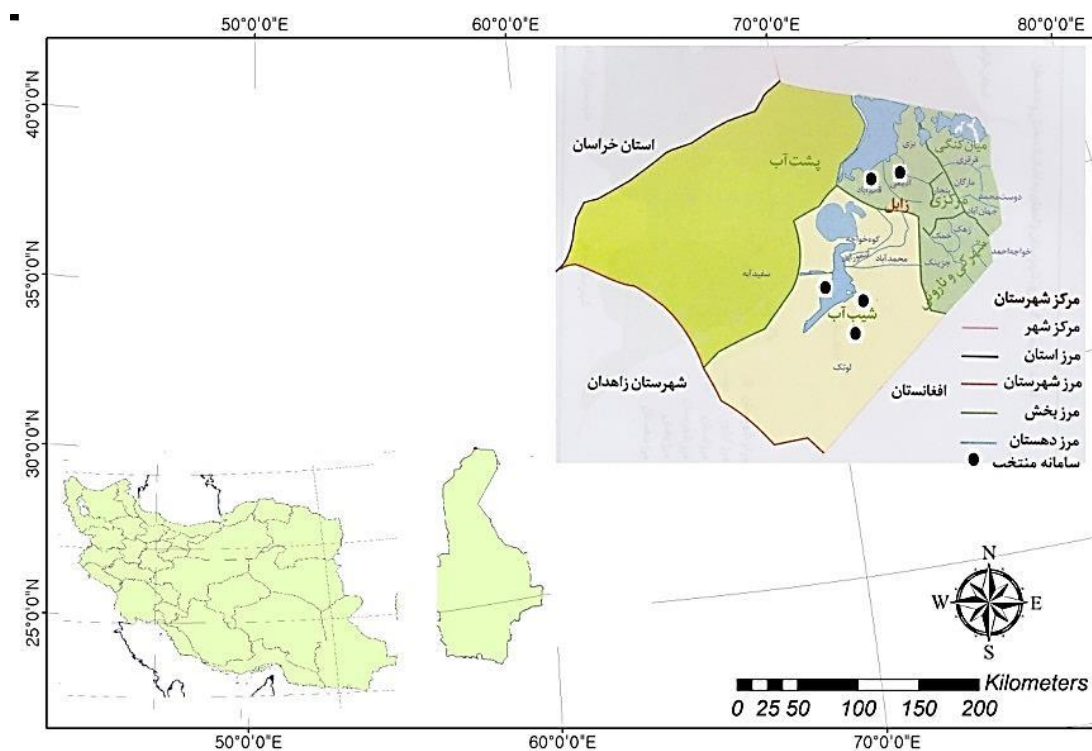
ناحیه سیستان به‌عنوان ناحیه‌ای به‌نسبت همگن، به سه خرده ناحیه متفاوت از هم، اما تنیده در یکدیگر تقسیم می‌شود:

۱. بخش دلتای کنونی با ساختار جامعه دهقانی (زراعی)؛

۲. هامون‌ها با ساختار شبه‌ایلی؛

۳. بخش طغیانی هامون‌ها و دشت‌های جنوبی در دلتای قدیمی با ساختار شبه ایلی (دامداری کوچ‌رو و نیمه‌کوچ‌رو)

که فعالیت اقتصادی آن به‌گونه‌ای سنتی متکی بر صید و صیادی، شکار، حصیربافی و... در سال‌های پربابی است (ضیا توانا، ۱۳۷۱: ۱۹۷-۱۹۸) که عشایر کوچنده سیستانی با ساختار طایفه‌ای، در خرده ناحیه بخش طغیانی (و دریاچه‌ها) مستقر هستند.



شکل ۱. نقشه موقعیت سیستان نسبت به کشور و استان

منبع: نگارندگان

از طرفی با توجه به موقعیت جغرافیایی کل حوضه (سیستان بزرگ)، نخست در کمربند خشک نیم‌کره شمالی واقع است و دوم اینکه بین حوضه آبرگیر و حوضه آبریز جدایی وجود دارد (بریمانی، ۱۳۸۰: ۱۸۸). دو پدیده مهم طبیعی یعنی سیلاب‌های بزرگ و ویرانگر و خشکسالی‌ها، منطقه را با بحران شدیدی روبرو می‌سازد که خشکسالی، آثار فزاینده‌ای در منطقه برجای می‌گذارد (بریمانی، ۱۳۸۹: ۲۹). این خشکسالی‌ها موجب قطع جریان آب رودخانه هیرمند و خشکیدن هامون‌ها شده و نیزارها را به کلی از بین برده است. این شرایط، عشایر سیستانی را در معرض متلاشی شدن بیشتری قرار داده؛ بنابراین، آنان سه راه بیشتر پیش‌روی خود نمی‌بینند:

۱. رهاکردن این معیشت و روی آوردن به مشاغل دیگر؛

۲. ادامه زندگی کوچندگی و روی آوردن به مشاغل جنبی و غیررسمی؛

۳. اسکان خودجوش (بریمانی، ۱۳۸۹: ۶).

هر سه راه از سوی طوایف عشایری مورد مطالعه، جنبه عملی به خود گرفته است، اما دولت در مواجهه با این رخداد، اسکان با برنامه را پیشه خود ساخته و از عشایر متمایل به اسکان حمایت می‌کند.

بحث و یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

بررسی ویژگی‌های فردی‌ها نشان می‌دهد که ۸۱/۶ درصد نمونه‌ها بی‌سواد یا توانایی خواندن و نوشتن داشته‌اند و میزان تحصیلات باقی‌مانده‌ها نیز بسیار پایین است. ۳۱/۲ درصد سرپرست خانوار بیکار شده‌اند، ۱۷/۶ درصد به کارگری روی آورده‌اند. چنانچه ۱۸/۴ درصد کسانی که در مشاغل غیرمولد هستند به این رقم اضافه کرد، می‌توان بیان کرد که حدود ۶۷/۲ درصد از فعالیت دامداری خارج شده‌اند و تنها ۳۲/۸ درصد در چرخه تولید (دامداری و کشاورزی) باقی مانده‌اند. در

مقابل، ۹۷/۶ درصد زنان از سرپرست خانوار خانه‌دار هستند که این گروه در قیاس با زنان عشایر و قبل از اسکان در تولید نقشی ندارند. ۲/۴ درصد زنان مشغول، به فعالیت خیاطی و گلدوزی پرداختند که این درصد از حرفه یادشده، با توجه به آستانه جمعیتی قابل توجه است. این فعالیت‌ها، در کنار فعالیت اصلی در زمینه تولید فرآورده‌های دامی، صنایع دستی و... در قبل از اسکان انجام شده است. شواهد نشان می‌دهد که اسکان عشایر در سیستان با توجه به خصیصه‌های اکولوژیک و متغیر بودن آن، راه‌گشا نیست.

جدول ۱. ویژگی عمومی نمونه آماری عشایر اسکان یافته سیستان

درصد	میزان تحصیلات	درصد	شغل	درصد	مشاغل سرپرست خانوار
۶۸	بی‌سواد	۹۷/۶	خانه‌دار	۱۹/۲	دامدار
۱۳/۶	خواندن و نوشتن	۲/۴	خیاطی و گلدوزی	۹/۶	دامدار و کشاورز
۱۱/۲	ابتدایی	-----	-----	۴	کشاورز
۷/۲	سیکل و بالاتر	-----	-----	۱۷/۶	کارگر ساختمان
-----	-----	-----	-----	۱۸/۴	سایر
-----	-----	-----	-----	۳۱/۲	بیکار

منبع: نگارندگان

اسکان عشایر و تأثیر آن بر تعداد دام بهره‌بردار

مقایسه بهره‌برداران قبل و بعد از اسکان نشان می‌دهد:

۱. قبل از اسکان، تمامی عشایر دارای دام بوده‌اند؛
 ۲. ۲۵/۶ درصد عشایر پس از اسکان دام خود را از دست داده‌اند؛
 ۳. ۶۴/۸ درصد نیز کمتر از صد رأس دام در اختیار داشته‌اند. چنانچه، حداقل صد رأس دام در کنار سایر فعالیت، جوابگوی مخارج یک خانواده از عشایر است، می‌توان گفت که در اثر اسکان، حدود ۹۰/۴ درصد بهره‌بردار از داشتن حداقل دام برای امر معاش محروم شده‌اند. همچنین قبل از اسکان، ۵۷/۷ درصد رمداران بین ۱۰۰-۴۹۹ رأس دام داشته‌اند؛ در حالی که این رقم بعد از اسکان به ۸ درصد کاهش یافته است و سهم رمدارانی که بیش از ۵۰۰ رأس دام داشته‌اند، طی همان دوره از ۸/۸ درصد به ۱/۶ درصد کاهش یافته است.
- این ارقام از نظر تعداد دام نیز نشانگر گرایش از وضعیت متوسط به وضعیت نامناسب و به دنبال آن کاهش شرایط اقتصادی و کیفیت زندگی در عشایر مورد مطالعه است (جدول ۲).

جدول ۲. طبقه‌بندی عشایر نمونه براساس سرانه دام

بعد از اسکان		قبل از اسکان		طبقه (رأس)
درصد	تعداد خانوار	درصد	تعداد خانوار	
۲۵/۶	۳۲	۰	۰	بدون دام
۵۴/۴	۶۸	۱۲/۸	۱۶	۱-۴۹
۱۰/۴	۱۳	۲۰/۸	۲۶	۵۰-۹۹
۸	۱۰	۵۷/۷	۷۲	۱۰۰-۴۹۹
۱/۶	۲	۸/۸	۱۱	+۵۰۰
۱۰۰	۱۲۵۰	۱۰۰	۱۲۵	کل

منبع: نگارندگان

یافته‌های تحلیلی

نقش زنان عشایر سیستانی در تأمین درآمد اسکان یافته نسبت به قبل از اسکان ضعیف شده است. برای بررسی، ابتدا تولید فرآورده‌های لبنی نظیر روغن زرد، کشک زرد، مسکه، کشک‌لچی، دوغ، رخمی و قره‌قروت به‌عنوان فعالیت‌های اصلی زنان شناسایی و میزان ساعات کار در قبل و بعد از اسکان محاسبه شده و به نرخ روز ارزش‌گذاری شده است.

مجموع ارزش فرآورده‌های لبنی تولیدشده توسط زنان طی یک سال در قبل از اسکان ۳۶۷،۵۱۰،۱۰۰ تومان بوده و این مبلغ بعد از اسکان با ۹۳/۳- درصد به ۲۴،۳۶۲،۶۰۰ تومان کاهش یافته است که بیانگر تفاوت زیاد در درآمد و همچنین تضعیف نقش زنان عشایر در تأمین درآمد خانوار است (جدول ۳).

علاوه‌بر تولید فرآورده‌های لبنی، نقش زنان عشایر در تولید صنایع‌دستی نیز برجسته است؛ به‌طوری‌که آن‌ها در قبل از اسکان، ۱۸،۲۸۶ مترمربع و به ارزش ۸۹،۱۲۰،۰۰۰ هزار تومان تولید داشته‌اند و این رقم، بعد از اسکان با ۹۷/۵- درصد به ۷۷۱ مترمربع و به ارزش ۲،۶۱۰،۰۰۰ هزار تومان کاهش یافته است (جدول ۴).

جدول ۳. ارزش تولید فرآورده‌های لبنی توسط زنان عشایری طی یک سال به تومان

فرآورده‌های دامی	قیمت فرآورده‌ها قبل از اسکان به هزار تومان	قیمت فرآورده‌ها بعد از اسکان به هزار تومان	درصد تغییرات
پنیر	۶،۲۱۶	۳۷۸	-۹۳/۹
کشک لچی	۱۸،۹۱۲	۲،۷۷۲	-۸۵/۳
قروت	۸۳،۰۳۴	۶،۳۱۸	-۹۲/۳
کشک زرد	۳۱،۰۲۰	۵،۹۵۲	-۸۰/۸
روغن زرد	۶۵،۵۵۰	۳،۹۳۰	-۹۴۰
دوغ	۱۵۷،۱۰۰	۴،۸۵۰	-۹۶/۹
رخمی	۶،۷۴۱	۵۴۶	-۹۱/۹
مسکه	۵،۰۰۴	۱،۰۸۰	-۹۷/۸
مجموع	۳۶۷،۵۱۰،۱۰۱	۲۴۳،۶۲۶	-۹۳/۳

منبع: نگارندگان

جدول ۴. ارزش تولید صنایع‌دستی توسط زنان عشایری طی یک سال به تومان

اقلام	قبل از اسکان			بعد از اسکان			درصد تغییرات
	تعداد	مساحت به مترمربع	قیمت به هزار تومان	تعداد	مساحت به مترمربع	قیمت به هزار تومان	
قالی	۱۷۲	۳۴۴	۱۷،۲۰۰	۲	۴	۲۰۰	-۹۸/۸
پلاس	۱۱۲	۱۶،۸۰۰	۴۴،۸۰۰	۵	۷۵۰	۲۰۰۰	-۹۵/۵
گلیم	۱۴۲	۲۸۴	۵،۶۸۰	۰	۰	۰	-۱۰۰
جوال	۲۰۲	۲۰۲	۴،۰۴۰	۱۲	۱۲	۲۴۰	-۹۱/۵
خورجین	۱۴۹	۱۴۹	۵،۹۵۰	۲	۲	۸۰	-۹۸/۶
توبره گلیمی	۱۱۷	۱۱۷	۲،۳۴۰	۰	۰	۰	-۱۰۰
توبره قالینی	۱۰۸	۱۰۸	۲،۱۶۰	۰	۰	۰	-۱۰۰
سفره آردی	۱۸۲	۱۸۲	۱،۸۲۰	۳	۳	۳۰	-۹۸/۳
خیک	۱۶۵	-	۱،۶۵۰	۲	-	۲۰	-۹۸/۷
مشک	۳۴۸	-	۳،۴۸۰	۴	-	۴۰	-۹۸/۸
جمع	۱،۸۴۵	۱۸،۲۸۶	۸۹،۱۲۰	۱۴۳	۷۷۱	۲،۶۱۰	-۹۷/۵

منبع: نگارندگان

در یک نگاه کلی، ارزش تولیدی ناشی از مجموع فعالیت‌های زنان عشایر سیستانی برای قبل از اسکان برابر ۴۵۶۳۰،۱۰۰ تومان بوده است. این رقم بعد از اسکان، با ۹۴/۱- درصد به ۲۶،۹۷۲۶۰۰ کاهش یافته است. به دنبال آن، درآمد سرانه نیز برای قبل از اسکان برابر ۳۶۸۲،۵۰۰ تومان و برای بعد از اسکان ۲۱،۷۵۲ تومان برآورد می‌شود (جدول ۵). بین تضعیف نقش تولیدی زنان عشایر سیستانی و درآمد خانوار، رابطه معناداری وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. ضرایب همبستگی محاسبه شده به ترتیب قبل و بعد اسکان، ۰/۳۱۹ و ۰/۲۱۱ است (جدول‌های ۵ و ۶). در سطح آلفای ۰/۱ درصد می‌توان ادعا کرد که اسکان عشایر در نمونه آماری و از جامعه مورد مطالعه، موجب کاهش نقش زنان در تولید، به ویژه در تأمین درآمد خانوار شده است.

جدول ۵. درآمد حاصل از مجموع فعالیت‌های زنان قبل و بعد از اسکان به تومان

درآمد سالانه	درآمد سالانه قبل از اسکان به هزار تومان	درآمد سالانه بعد از اسکان به هزار تومان	درصد تغییرات
کل درآمد	۴،۵۶۶،۳۰۱	۲۶۹،۷۲۶	-۹۴/۱
سرانه درآمد	۳۶،۸۲۵	۲۱،۷۵۲	-۹۴/۱

منبع: نگارندگان

جدول ۶. ضریب همبستگی بین نقش زنان عشایر سیستانی و درآمد خانوار قبل از اسکان

درآمد خانوار عشایری قبل از اسکان	
Pearson Correlation	**۰/۳۱۹
Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰
N	۱۲۵

* Correlation is significant at the 0/01 level (2-tailed).

منبع: نگارندگان

جدول ۷. ضریب همبستگی بین نقش زنان عشایر سیستانی و درآمد خانوار بعد از اسکان

درآمد خانوار عشایری بعد از اسکان	
Pearson Correlation	۰/۲۱۱
Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۴
N	۱۲۵

* Correlation is significant at the 0/01 level (2-tailed).

منبع: نگارندگان

نتیجه گیری

به دلیل واقع بودن سیستان در کمربند خشک نیمکره شمالی و جدایی بین حوضه آبریز و حوضه آبریز، منطقه همواره با دو پدیده مهم طبیعی یعنی سیلاب و خشکسالی‌های ادواری مواجه است. آثار فزاینده خشکسالی‌ها موجب قطع جریان آب رودخانه هیرمند و خشکیدن هامون‌ها شده و نزارها را به کلی از بین می‌برد. در چنین شرایطی، عشایر سیستانی در معرض فروپاشی بیشتری قرار گرفته است. برای خروج از این وضعیت سه راه پیش‌روی خود نمی‌بینند:

۱. رهاکردن این معیشت و روی آوردن به مشاغل دیگر؛

۲. ادامه زندگی کوچندگی و روی آوردن به مشاغل جنبی و غیررسمی مانند مبادله کالا و سوخت؛

۳. اسکان خودجوش.

هر سه راه به‌نوعی در برخی از طوایف، جنبه عملی گرفته است، اما سیاست دولت، اسکان هدایت‌شده برای بهبود وضعیت آنان است. علی‌رغم آن، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تنها ۲۸/۸ درصد از عشایر اسکان‌داده شده به فعالیت‌هایی مانند دامداری-کشاورزی و ۴ درصد به کشاورزی مشغول هستند و حدود ۳۶ درصد به فعالیت رسمی و غیررسمی روی آورده‌اند و ۳۱/۲ درصد نیز بیکار شده‌اند. علاوه بر آن، قبل از اسکان تنها ۳۳/۶ درصد عشایر از حداقل دام (صد رأس) برای امرارمعاش محروم بوده‌اند؛ درحالی‌که بعد از اسکان این رقم به ۸۰ درصد افزایش یافته است. این وضعیت برای زنان عشایر هم نامناسب‌تر ارزیابی شده است؛ زیرا آن‌ها هم از چرخه تولید بازمانده‌اند و ۹۷/۶ درصد زنان عشایر اسکان‌یافته، خانه‌دار هستند. به‌عبارتی دیگر، در مقایسه با قبل از اسکان، در تولید نقشی ندارند؛ زیرا ارزش فرآورده‌های لبنی تولیدشده توسط زنان عشایر، نظیر روغن زرد، کشک زرد، مسکه، کشک لچی، دوغ، رخمی و قره‌قروت، در اثر اسکان ۹۳/۳- درصد کاهش یافته است و این کاهش برای تولیدات صنایع‌دستی نظیر قالی، پلاس، گلیم و... نیز ۹۷/۵- درصد است. آزمون رگرسیون نیز تأیید می‌کند که بین تضعیف نقش زنان عشایر سیستمی و درآمد خانوار، رابطه معناداری وجود دارد؛ به این معنا که با تضعیف نقش زنان، درآمد خانوار کاهش پیدا می‌کند.

این ارقام نشانگر گرایش به وضعیت نامناسب از نظر تعداد دام و به‌دنبال آن شرایط اقتصادی و کیفیت زندگی در عشایر مورد مطالعه است. درواقع، این رویکرد از اسکان هدایت‌شده نیز نه‌تنها خانوارهای عشایری را دچار مشکل کرده است بلکه در این روند سازگاری فرهنگی جامعه عشایر با شرایط محیطی آن نادیده گرفته شده است. مطالعات انجام‌شده بریمانی (۲۰۰۱، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۰) نیز مؤید این نتایج است. همچنین شاطریان و صادقی (۱۳۹۱)، در اسکان عشایر علاوه بر ملاحظات گوناگون زیست‌محیطی، بر نقش زنان تأکید دارند. از طرفی محمودیان (۱۳۸۲)، در نتایج پژوهش خود نشان داده است، تغییر و تحولات در جامعه عشایری نه‌تنها وضعیت کوچندگان «مرد» بلکه «زنان» نیز تأثیر می‌پذیرند، این هم‌پوشانی با یافته‌های پژوهش فراوان است.

در یک نگاه کلی‌تر می‌توان بیان کرد که راهبرد اسکان با مشاغل کشاورزی (حیاتی، ۱۳۷۰)، و (عبداللهی و دیگران، ۱۳۷۱)، و... در منطقه مورد مطالعه موفقیت‌آمیز نبوده است. زمینه‌های راهبرد اسکان با مشاغل دامداری و دامپروری شامل دامپروری نوین (کیاوند، ۱۳۶۸) یا صنعتی (بخشنده نصرت، ۱۳۶۹)، به‌دلیل شرایط محیطی (وابستگی به منابع آب سطحی با منشأ خارجی و نبود سفره‌های آب زیرزمینی به‌ویژه خشکسالی‌های ادواری) نیز چندان وجود ندارد. درنتیجه، راهبرد سوم یعنی شیوه رمه‌گردانی به‌عنوان حلقه واسطه بین وضع موجود و وضع مطلوب، سازگاری بیشتری با واقعیت دارد و البته بهره‌مندی عشایر اسکان‌یافته از خدمات دولتی را نمی‌توان انکار کرد.

منابع

۱. احمدی، زهت، ۱۳۶۹، **پیش‌درآمدهایی بر حضور اجتماعی زنان**، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، دوره ۵، شماره ۴۸، صص ۱۲-۱۵.
۲. ارزانی، حسین، ۱۳۷۸، **ارزشیابی اثرات زیست‌محیطی عشایر اسکان‌یافته استان فارس (دشت بکان)**، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران
۳. افشار نادری، نادر، ۱۳۶۲، **اسکان عشایر و آثار اجتماعی و اقتصادی آن**، آگاه، تهران.
۴. اکبری، علی و مهدی میزبان، ۱۳۸۱، **درآمدی بر شناخت ویژگی‌های جمعیت و جوامع عشایری ایران**، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۵، شماره ۱، صص ۹-۴۲.
۵. امان‌اللهی بهاروند، اسکندر، ۱۳۶۰، **کوچ‌نشینی در ایران پژوهشی درباره عشایر و ایلات**، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

۶. بخشنده نصرت، عباس، ۱۳۶۹، برنامه‌ریزی توسعه زندگی عشایر از دیدگاه فضایی، مجموعه مقالات سمینار توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایر ایران، تهران.
۷. بریمانی، فرامرز، ۱۳۸۰، مطالعه و بررسی امکان تغییر جایگاه بیلاقی عشایر کوچنده داوطلب سیستانی در دشت‌های شمالی، امور عشایر اداره کل عشایر استان سیستان و بلوچستان.
۸. بریمانی، فرامرز، ۱۳۸۱، تعیین رژیم حقوقی هیرمند، گامی در جهت جلوگیری از فاجعه‌ای در حال تکوین، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی رویکرد فرهنگی جغرافیا، جغرافیا بستری برای گفتگوی تمدن‌ها، ۲۶ تا ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۹، دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد.
۹. بریمانی، فرامرز، ۱۳۸۲، عشایر کوچنده سیستانی در چنبره تنگناهای محیطی و تهدیدهای انسانی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۱، صص ۹۳-۹۴.
۱۰. بریمانی، فرامرز، ۱۳۸۳، آثار فزاینده خشکسالی در محیط حوزه‌های آبریز اندرویک، نمونه موردی سیستان ایران، مجله اقتصادی و اجتماعی اطلاعات، سال ۱۸، شماره ۲۰۲، صص ۱۸۶-۱۹۳.
۱۱. بریمانی، فرامرز، ۱۳۸۴، بررسی وضعیت اشتغال عشایر زیرکاری مستقر در جنوب خراسان، پژوهشکده علوم زمین و جغرافیا، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۱۲. بریمانی، فرامرز، ۱۳۸۶، امکان‌سنجی از دشت‌های استان سیستان و بلوچستان برای تغییر بیلاقی عشایر کوچنده سیستانی، مجله منابع طبیعی ایران، شماره ۲، جلد ۶۰، صص ۳۴۹-۳۵۹.
۱۳. بریمانی، فرامرز و دیگران، ۱۳۸۹، شناسایی پتانسیل و مکان‌یابی کانون برای عشایر شمال سیستان مستقر در جنوب خراسان (عشایر زیست‌بوم هامون-نهبندان)، پژوهشکده علوم زمین و جغرافیا وابسته به دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۱۴. بیات، عزیزالله، ۱۳۶۶، کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، چاپ دوم، امیرکبیر، تهران.
۱۵. توکلی، جعفر، ۱۳۸۴، مروری بر نظریات و تجارب موجود در زمینه اسکان عشایر، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، سازمان امور عشایر ایران.
۱۶. توکلی، جعفر، ۱۳۸۴، ارزیابی برنامه‌های سامان‌بخشی به زندگی عشایر کوچنده در استان فارس، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، سازمان امور عشایر ایران.
۱۷. پاپلی یزدی، محمدحسین، ۱۳۷۱، کوچ‌نشینی در شمال خراسان، آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۸. جمشیدیان، مسعود، ۱۳۶۹، استراتژی توسعه زندگی عشایر بر محور رمه‌گردانی، مجموعه مقالات سمینار توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایر ایران.
۱۹. حیاتی، ابراهیم، ۱۳۶۹، چشم‌اندازی به فردای زندگی عشایر، مجموعه مقالات سمینار توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایر ایران.
۲۰. خضولو، بهروز و دیگران، ۱۳۸۴، ارزیابی مشارکتی طرح اسکان عشایر، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، سازمان امور عشایر ایران، تهران.
۲۱. ریاحی، وحید و دیگران، ۱۳۹۲، بررسی نقش طرح‌های اسکان در توسعه اقتصادی و اجتماعی عشایر، مطالعه موردی: کانون‌های اسکان استان کهگیلویه و بویر احمد، نشریه تحقیقات علوم جغرافیایی، سال ۱۳، شماره ۲۸، صص ۹۵-۱۱۲.

۲۲. شاطری، مفید و حجت‌الله صادقی، ۱۳۹۱، واکاوی اثرات اقتصادی-اجتماعی اسکان خودجوش عشایر، (مطالعه موردی: عشایر بخش دهدز شهرستان ایذه استان خوزستان)، مجله علمی-تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال ۲، شماره ۲ (پیاپی ۶)، صص ۱۰۵-۱۲۸.
۲۳. شاهین‌فر، حسین، ۱۳۶۹، سوابق تاریخی و مبارزات ایل شاهسون، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، شماره ۱۲، صص ۱۹-۲۶.
۲۴. شهبازی، عبدالله، ۱۳۶۹، مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر، نی، تهران.
۲۵. صالحی، اصغر، ۱۳۸۴، ارزشیابی اثرات اقتصادی-اجتماعی طرح‌های ساماندهی عشایر در کانون‌های گل‌افشان و ...، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، جلد اول، تهران.
۲۶. صیدایی، اسکندر و دیگران، ۱۳۸۴، ارزیابی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کانون‌های اسکان عشایر، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، جلد اول، تهران.
۲۷. صیدایی، سید اسکندر، ۱۳۸۷، چشم‌انداز جامعه عشایری ایران در افق ۲۰ ساله آتی، نشریه علوم جغرافیایی، جلد نهم، شماره ۱۲، صص ۱۴۷-۱۶۵.
۲۸. ضیاء توانا، محمدحسن، ۱۳۷۱، ویژگی‌های محیط طبیعی چاله سیستان، جشن‌نامه دکتر محمدحسن گنجی، مجموعه مقالات جغرافیایی به کوشش ایران پورجزئی، گیتاشناسی، تهران.
۲۹. عبداللهی، محمد و مسعود چلبی، ۱۳۷۱، اسکان عشایر از دیدگاه جامعه‌شناسی توسعه، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایر ایران، اسفند ۱۳۶۹، صص ۴۵-۶۸.
۳۰. غفاری، تیمور، ۱۳۷۰، مراتع پشتوانه استقلال اقتصادی «قسمت دوم»، فصلنامه عشایر ذخایر انقلاب، شماره ۱۵، صص ۶۷-۸۷.
۳۱. کیانوند، عزیز، ۱۳۶۸، حکومت، سیاست و عشایر (از قاجار تاکنون).
۳۲. لطفعلی‌پور، محمدرضا و علیرضا صابریان، ۱۳۸۲، بررسی وضعیت اقتصادی-اجتماعی عشایر شهرستان شیروان و ارائه راهکارهای مناسب جهت ساماندهی به زندگی آنان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۹، صص ۱۳۳-۱۵۲.
۳۳. محمدی، مهدی، ۱۳۸۲، توانایی‌های زنان در اقتصاد تولیدی عشایر، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۶، صص ۸۷-۱۱۶.
۳۴. محمدی، مهدی، ۱۳۸۴، بررسی توانایی‌های زنان عشایری با تأکید بر نقش آنان در اقتصاد تولیدی عشایر (مورد مطالعه استان همدان). مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، اردیبهشت ۱۳۸۳، سازمان امور عشایر ایران، تهران.
۳۵. محمودیان، حسین، ۱۳۸۲، بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استان‌ها در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱، صص ۱۸۹-۲۱۸.
۳۶. موسایی، محمد، ۱۹۸۷، مبارزات عشایر بویراحمد با حکومت پهلوی، فصلنامه عشایری، ذخایر انقلاب، شماره ۳-۴، صص ۲۲-۳۸.
۳۷. مولایی هنجین، نصرالله، ۱۳۸۰، تحلیلی پیرامون پراکندگی جغرافیایی کوچ‌نشینان بختیاری در بیلاق و قشلاق، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۵، صص ۵۷-۶۷.

۳۸. مهندسین مشاور فریادک، ۱۳۶۳، گزارش مرحله اول، وضعیت خاک و استعداد اراضی سیستان و بلوچستان، جلد دوم، سازمان منطقه‌ای بهداشتی سیستان و بلوچستان.

39. Abdollahi, M. and Chalabi, M., 1992, **The Nomads Habitation from the Perspectives of Sociology, IN: A Collection of Articles of Seminar of Nomads life Development, Organization of Nomads Affairs of Iran, Tehran. (In Persian)**
40. , No.19, PP. 45- 68. *(In Persian)*
41. Akbari, A, and Mehdi, M., 2004, **Population and Communities of Iranian Nomads: An Introduction**, National Studies Quarterly, Vol. 5, No.1, PP. 9- 42. *(In Persian)*
42. Afshar, N., 1983, **Nomads Habitation and its Social and Economic Effects, Nomads and Tribes, Agah Publishers, Tehran. (In Persian)**
43. Ahmadi, N., 2006, **The Preludes of the Social Presence of Women**, Journal of Thought and Political History of Contemporary Iran, Vol. 5, No. 48, PP. 12-15. *(In Persian)*
44. Amanollahi Baharvand, S., 1981, **Pastoral Nomadism in Iran, B.T.N.K, Tehran. (In Persian)**
45. Arzani, H., 1999, **Environmental Impact Assessment Resettled Nomads of Fars Province (Dashte Bokan)**, Institute of Social Resources and Studies, Faculty of Natural Resources, Tehran University. *(In Persian)*
46. Bakhshande Nosrat, A., 1990, **Nomads Development Spatial planning, IN: A Collection of Articles of Seminar of Nomads life Development, Organization of Nomads Affairs of Iran, Tehran. (In Persian)**
47. Barimani, F., 2001, **A Study the Possibility of Changing of Summer Pastoral Sistani Volunteer Nomadism in the Northern Plains**, Nomadic Affairs of Sistan and Baluchestan. *(In Persian)*
48. Barimani, F., 2002, **The legal Regime Helmand Step in to Prevent a Catastrophic Rise. IN: A Collection of Articles International Congress on Cultural Approach To Geography, Geography, A Foundation for the Dialogue Among Civilization, 15-17 May 2000. Faculty of literature. Ferdowsi University of Mashhad. Edited by Professor Mohammad Husayn Papoli Yazdi. (In Persian)**
49. Barimani, F., 2003, **Sistani Pastoral Nomadism in the Torus of Environmental Obstacles and Human Threats**, Journal of Geographical Research, Vol. 18, No. 71, PP. 93- 104. *(In Persian)*
50. Barimani, F., 2004, **The Increasing Effects of Drought in Endoeique Drainage Regions, Case Study, Sistan of Iran**, Political and Economic Ettelaat, June In the Eighteenth Number the Ninth and Tenth, Vol. 18, 201- 202, No. 201-202, PP, 186- 193. *(In Persian)*
51. Barimani, F., 2005, **A Study of the Employment on Nomads Zirkari in Southern Khorasan**, Institute of Geosciences and Geography, University of Sistan and Baluchestan. *(In Persian)*
52. Barimani, F., 2008, **A Feasibility Study of the Northern Plain of Sistan and Baluchestan Province for Relocating Sistan, Volunteer Migrating Tribes Summer Settlement**, Iranian Journal of Natural Resources, Vol. 61, No. 2, PP. 349- 359. *(In Persian)*
53. Barimani, F. et al, 2010, **Identification of Potential and Site Selection Center for Nomads Northern of Sistan in the South of Khorasan, (Hamun-Nehbanda Oecomen)**, Institute of Geosciences and Geography, University of Sistan and Baluchestan. *(In Persian)*

54. Bayat, A., **1987, General Historical Geography of Iran**, 2nd Edition, Amir Kabir publication, Tehran. *(In Persian)*
55. Dorfman, E.J., Kingsford, R.T., 2001, **Scale-dependent Patterns of Abundance and Habitat Use by Cormorants in Arid Australia**.
56. Etienne, T. P., 2000, **Herders and Wildgame Behaviour as A Strategy Against Desertification in Northern Cameroon**, Journal of Arid Environments, Vol. 39, Issue.2, PP. 90-179.
57. Ghaffari, T., 1991, **Pastures Economic Independence Supporting**, Part II, A Quarterly Journal of Pastoral Nomads, No. 15, PP. 67- 87. *(In Persian)*
58. Hampshire, k., 2002, **Network of Nomads: Negotiating Access to Health Resources Among Pastoralist Women in Chad**, Social and Medicine, Issue.7, PP. 1037-1025.
59. Hayati, E., 1990, **A vision of the Future Nomads**, IN|: **Collection of Articles of Seminar of Nomads life Development**, Organization of Nomads Affairs of Iran, Tehran. *(In Persian)*
60. Jamshidian, M., 1990, **Life Nomads Development Strategy Based on Nomad-Herding, in: Set of Seminar Articles of Nomads life Development**, Organization of Nomads Affairs of Iran, Tehran. *(In Persian)*
61. Janzen, J., 2002, **The Modern Development of Nomadic living Space in Southeast – Arabia- the Case of Dhofar (Sultanate of Oman)**, Grune waldstra Be35.
62. Keyavand, A., 1989, **The State, Politics and Tribal Communities, From the Beginning Qajar Period to 1988**, Nomadic Publication, Tehran. *(In Persian)*
63. Khazarloo, B. et al., 2005, **Participatory Evaluation of the Nomads Habitation Plans, Case Study: Shibloo Plain in West Azerbaijan Province**, IN: **Set of National Conference Article of Nomads Organizing Society of Iran**, Ordibehesht 2004, Organization of Nomads Affairs of Iran, Vol. 1, No. 1, PP. 688-663 *(In Persian)*
64. Lotfali poor, M. and Saberiyan, A., 2003, **The Investigation of the Socio- Economic Status of Nomadic Township of Shirvan, and Provide Strategies for Organizing Their life**, Journal of Geographical Research, Vol.18, No. 2, PP. 133- 152. *(In Persian)*
65. Mahmoodian, H., 2003, **A Study of Women's Participation in the Labor Force in the Provinces in the years 1376, 1386, 1396**, Social Science Journal, Vol. 1, No. 21, PP. 189-218. *(In Persian)*
66. Mansheev, D.M., 2009, **Froms of Nomadism and livestock management of the Eastern Sayan Buryats in the late 19 TH and early 20 TH centuries**, Archaeology Ethnology and Anthropology of Eurasia, Vol. 37, Issue. 2, PP. 104- 109. *(In Persian)*
67. Mocellin, J. and F, P., 2008, **Health Status and Geographic Mobility Among Semi-Nomadic Pastoralist in Mongolia**, **Health and Place**, Vol.4, No.14, PP. 228- 242.
68. Mohammadi, M., 2003, **The Abilities of Women in Productive Economy of Nomads**, **Journal of Women Studies**, Vol. 1, No. 6. PP. 87- 116. *(In Persian)*
69. Mohmmadi, M., 2004, **The Investigation of the Nomadic women by Emphasizing their role in the productive Economy Nomads**, **Study: Hamadan province**, IN: **Set of National Conference Article of Nomads Organizing Society of Iran**, Ordibehesht 2004, Organization of Nomads Affairs of Iran, Vol. 1, No. 1, PP. 160-127. *(In Persian)*
70. Mohandesin Moshaver Farpak., 1984, **First Report, Soil Conditions and Potential of Lands in the Sistan and Baluchestan**, Baluchestan Regional Health Organization, Vol. 2. *(In Persian)*

71. Mollaei Hashtjin, N., 2001, **Analysison the Geographical Distribution of Bakhtiari Nomadsin Winter and Summer Pastural**, Geographical Research, Vol. 30, No. 35, PP. 33- 48. *(In Persian)*
72. Mossaei, M., 1988, **Boyer Ahmad Nomads Campaign With the Pahlavi Regime**, A Quarterly Journal of Pastural Nomads, No.3- 4, PP. 22- 38. *(In Persian)*
73. Papoli yazdi, M. H., 1992, **Nomads in North of Khorasan**, Astan Quds Razavi, Mashad. *(In Persian)*
74. Perry, R., Ian, S. and Rashi, U., 2007, **Marine Ecosystem Variability and Human Community Responses: The Example of Ghana, West Africa, and Marine Policy**, Vol. 31, Issue. 2. PP. 125- 134.
75. Ryahi, V. et al, 2013, **Study of Role of Habitation Plans in Economic and Social Development of Nomads, Case Study: Kohgiluye and Boyerahmad Habitation Centers**, Journal of Applied Research in Geographical Sciences, Year. 13, No. 28, PP. 95- 112. *(In Persian)*
76. Salehi, A., 2005, **Investigation of Economic- Social Impacts of the Nomads Habitation Plans in the Golafshan Centers and ...**, IN: **Set of National Conference Article of Nomads Organizing Society of Iran**, Ordibehesht 1383, Organization of Nomads Affairs of Iran, Vol. 1, PP. 46-11. *(In Persian)*
77. Scholz, F., 2004, **Nomads/ Nomadism in history**, International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences, PP. 10650-10655.
78. Seidaei, S. et al, 2005, **Evaluation of Economic, Social and Cultural Impacts of Nomads Habitant Centers**, IN: **Set of National Conference Article of Nomads Organizing Society of Iran**, Ordibehesht 2004, Organization of Nomads Affairs of Iran, Vol. 1, PP. 66-47
79. Seidaei, S., 2009, **Vision of Iran Nomadic Society in the next 20 years Horizon**, Journal of Applied Research in Geographical Sciences, Vol. 9, No. 12, PP. 147- 165. *(In Persian)*
80. Shahbazi, A., 1990, **Introduction to Tribesand Nomads Recognition**, Published Ney, Tehran. *(In Persian)*
81. Shahinfar, H., 1990, **Shahsavan Tribeand Historical Campaigns**, A Quarterly Journal of Pastural Nomads, No. 12, PP. 19- 26. *(In Persian)*
82. Shateri, M. and Hojjatollah, S., 2012, **Analysis of Economic- Social impacts of the Spontaneous Habitation of Nomads (Case Study: The Nomads of Dehdaz District, Izeh Township, Khuzestan Province)**, Scientific Specialized Journal of Spatial Plannin, 2nd Year, No. 2, (Serial 6), PP. 105- 128. *(In Persian)*
83. Tavakkoli, J., 2005, **An Overview of the Existing Theories and Experiences in the Nomads Habitation**, IN: **Set of National Conference Article of Nomads Organizing of Iran**, Organization of Nomads Affairs of Iran, Vol. 1. *(In Persian)*
84. Tavakoli, M. and Sasan T., 2005, **Evaluation of Systematization Programs for the Migratory tribe living In Fars Province**, IN: **Set of National Conference Article of Nomads Organizing of Iran**, Organization of Nomads Affairs of Iran, Vol. 1. *(In Persian)*
85. Upton, C., 2010, **living off the land: Nature and Nomadism in Mongolia**, Journal homepage.
86. Zeya Tavana, M., 1992, **Characteristics of the Natural Environment of Basin Sistan, Celebration Letter Dr. Mohammad Hassan Ganji**, IN: **Set of Geographical Articles**, With Effoet of Dr. Iranpour Jazani, Published Gita Shenasi, Tehran. *(In Persian)*